



present man absent man analysis of human cyber presence in digital civilization based on Sadra's Wisdom

Mahdi Sepehri ¹ | Mohammad javad Bagheri ²

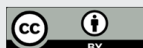
Abstract

Rapid and significant changes in information technology have led to many changes in human life. As a result of these rapid changes of digital civilization in our era, it has been realized that in this digital civilization virtual man has emerged. One of the important dimensions of the virtual human that we intend to examine and analyze in this article is the cyber presence, which has different types and degrees. Cyber presence relies on elements, the most important of which is action and interaction. According to transcendental wisdom, the expansion of human presence in the world occurs in one of the forms of the union of science and the world or existential intensity, and this expansion of presence does not rely on anything other than human existence. But cyber presence cannot be the same presence as we know it in its traditional sense due to its reliance on others. On the other hand, due to the fact that the cyber space is formed under the world of credit and employment credit, and for this reason it causes people to be preoccupied with others and sink more into the world of credit and self-neglect, cyber presence is always accompanied by signs of an absent presence such as less awareness. , neglecting the surroundings, distraction, etc. However, we cannot ignore the strong role of the cyber space in strengthening and making certain human powers, especially the power of imagination. The current article is one of the basic (theoretical) researches that was done with the analytical descriptive method.

Keywords: Cyber space, cyber presence, transcendental wisdom, digital civilization, cyber theology, virtual human.

1. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: Ph.D. student of Islamic philosophy and theology, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. mohammad.j.b.1376@gmail.com

Cite this Paper: Sepehri'M & Bagheri'M . present man absent man analysis of human cyber presence in digital civilization based on Sadra's Wisdom. *Interdisciplinary studies of Islamic Revolution Civilization.* , 8(4), 11-26





انسان حاضر، انسان غایب؛

بررسی و تحلیل حضور سایبری انسان در تمدن دیجیتال مبتنی بر حکمت صدرایی

مهدی سپهری^۱ | محمدجواد باقری^۲ ID

۸

سال دوم
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

صص: ۷۶-۵۹

شاپا چاپی: ۸۹۰-۲۹۸
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱

چکیده

تحولات سریع و چشمگیر فناوری اطلاعات منجر به تغییرات فراوانی در حیات انسان گردیده است. در اثر این تغییرات پر سرعت تمدن دیجیتال در عصر ما محقق شده که در این تمدن دیجیتال انسان مجازی ظهور یافته است. یکی از ابعاد مهم انسان مجازی که در این مقاله قصد بررسی و تحلیل آن را داریم، حضور سایبری است که انواع و درجات مختلفی دارد. حضور سایبری متکی به ارکانی است که از مهم‌ترین آن‌ها کنش و تعامل است. بر اساس حکمت متعالیه بسط حضور انسان در عالم، در یکی از قالب‌های اتحاد علم و عالم و یا اشتداد وجودی رخ می‌دهد و همچنین این بسط حضور متکی به چیزی غیر از وجود انسانی نیست. اما حضور سایبری با توجه به اتکای همه‌جانبه‌ای که به غیر دارد نمی‌تواند همان حضوری باشد که در معنای سنتی آن می‌شناسیم. از طرفی با توجه به اینکه فضای سایبر در ذیل عالم اعتبار و اعتبار استخدام شکل می‌گیرد و به این دلیل سبب مشغولیت به غیر و فرو رفتن بیش‌تر انسان در عالم اعتبار و غفلت از خود می‌شود، همواره حضور سایبری همراه نشانه‌های یک حضور غایبانه مانند آگاهی کمتر، غفلت از اطراف، حواس‌پرتی و... است. با این حال نمی‌توان از نقش پررنگ فضای سایبر در تقویت و مستعد کردن برخی قوای انسانی و خصوصاً قوه‌ی خیال چشم‌پوشی نمود. مقاله‌ی حاضر از دسته‌ی پژوهش‌های بنیادی (نظری) است که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. **کلیدواژه‌ها:** فضای سایبر، حضور سایبری، حکمت متعالیه، تمدن دیجیتال، الهیات سایبر، انسان مجازی.

۱. دانشیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

mohammad.j.b.1376@gmail.com

استناد: سپهری، مهدی؛ باقری، محمدجواد. انسان حاضر، انسان غایب؛ بررسی و تحلیل حضور سایبری انسان در تمدن دیجیتال

DOR: ۵۹-۷۶، (۲)، ۸

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

با ظهور عصر اطلاعات و دنیای دیجیتال، زندگی انسان دچار تغییرات بسیار اساسی و متنوع شده است. امروزه همه‌ی ما تا حدود زیادی با دنیای دیجیتال و فناوری اطلاعات و تبعات آن سروکار داریم. انسان امروزی حیاتی سراسر گره خورده با این جهان را تجربه می‌کند و این پیوند ما روزبه‌روز در حال افزایش است. شکل‌های به هم پیوسته‌ی ارتباطات الکترونیکی که با نام‌های مختلف از قبیل شبکه اینترنت و وب جهانی یا فضای سایبری شناخت شده است، آن‌چنان با سرعت و گستردگی در کلیه شئون زندگی عادی ما رسوخ کرده که تکان‌دهنده است. اما علی‌رغم شهرت و سرعت گسترده‌اش، هنوز پدیده‌های است بسیار نو، نوتر از آنکه بشود درباره ماهیت، آثار و عوارض آن سخنی گفت. با این وجود به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌اش انگیزه‌های قوی برای کنکاش درباره تأثیر آن بر روی فرهنگ، حقوق، سیاست و سایر ابعاد زندگی انسان وجود دارد (گرام، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). در واقع این ارتباط عمیق انسان با دنیای دیجیتال و این رشد غیر قابل تصور فناوری اطلاعات، منجر به ظهور تمدنی جدید در عصر کنونی شده است که می‌توان آن را تمدن دیجیتال نام نهاد.

ظهور یک تمدن جدید همواره اماره‌ی روشنی است بر ظهور یک انسان جدید. هنگامی که ما از ظهور یک تمدن جدید سخن می‌گوییم باید این را هم بدانیم که درون مایه‌ی هر تمدن جدیدی، انسان جدیدی است که حیاتی متفاوت با انسان تمدن‌های گذشته داشته است و این تفاوت به حدی است که ما می‌توانیم آن را ظهور جدیدی از انسان پنداریم. انسان جدیدی که در تمدن دیجیتال ظهور کرد در واقع همان انسان مجازی یا دیجیتال نام دارد. انسان مجازی زیست متفاوتی با قبل دارد. در واقع تغییرات پرسرعت فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های مختلف بر نحوه‌ی زیست او تأثیر مستقیم داشته است. این تغییرات به گونه‌ای بوده است که بر روی مهم‌ترین حوزه‌های مربوط به حیات انسانی از جمله معرفت‌شناسی انسان، شیوه‌ی تفکر و محاسبه کردن او، ارزشیابی او در مورد اخبار مختلف، زیبایی‌شناسی انسان، روابط او با غیر خود، باورها و اعتقادات او، نظام ارزش‌ها، سبک زندگی و... اثرگذار بوده است. در واقع انسان تحت تأثیر تکنولوژی‌ها و دستاوردهای مختلف در طول تاریخ، دچار تغییراتی می‌شود. اما تغییری که در انسان با شروع عصر فناوری اطلاعات رقم

خورد، بسیار عمده و بزرگ بود. به همین دلیل می‌توان از انسان جدیدی در این عصر سخن بگویم که نامش انسان مجازی است (قائمی‌نیا، ۱۴۰۰).

انسان مجازی نوع خاص و جدیدی از انسان‌ها نیست که لازم باشد در مکانی ناشناخته به دنبالش باشیم. بلکه انسان مجازی خود ما هستیم! همه‌ی ما در عصر کنونی تا حدودی تبدیل به انسان مجازی شده‌ایم. بنابراین شناخت انسان مجازی در واقع به نوعی یک خودشناسی در عصر جدید است. ما برای شناخت درست وضعیت خود و زندگی‌مان چاره‌ای جز شناخت انسان مجازی نداریم. در واقع برای درک اهمیت این شناخت بهتر است در زندگی خود نگاهی به اموری بیندازیم که تحت تأثیر مجازی شدن‌مان تغییر کرده است. تقریباً هیچ چیزی از این تغییر مصون نمانده است؛ از نحوه‌ی پوشش و سبک زندگی تا حتی معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی ما در اثر مجازی شدن‌مان تغییر معناداری پیدا کرده است. این چرخش بی‌سابقه در حیات آدمی مستلزم بازشناخت انسان برای یافتن مسیر درست آینده است و این بازشناخت نه تنها در حیطه‌ی زندگی فردی، بلکه در حیات جمعی انسان‌ها نیز امری ضروری و اساسی است. بدون یک تحلیل صحیح علاوه بر آن که امکان شناخت درست انسان و جهان جدید وجود ندارد، امکان سیاست‌گذاری، کنترل و جهت‌دهی صحیح نیز میسر نمی‌شود. در واقع هر چه قدر شناخت ما در خصوص انسان مجازی یا بهتر بگوییم در خصوص خودمان در عصر جدید بیش‌تر باشد، راه هموارتری در بهبود بخشیدن به وضعیت فعلی حیات خود در پیش داریم. علاوه بر آن این شناخت ضروری، باعث می‌شود تا امور بسیاری از دایره‌ی غفلت و ناخودآگاه ما خارج شده و ذیل توجه آگاهانه و کنش فعالانه ما قرار گیرد. در این تحقیق که یک پژوهش بنیادی (نظری) است و با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، سعی نمودیم تا به بررسی و تحلیل حضور انسان مجازی در فضای سایبر که در تمدن دیجیتال محقق شده است، پردازیم تا به وسیله‌ی یک دیدگاه الهیاتی که برگرفته از فلسفه‌ی صدرای و فیلسوفان صدرایی است، ابعاد و جنبه‌های مختلف حضور انسان مجازی در فضای سایبر مشخص شود. فضای سایبر از لحاظ سخت‌افزاری در واقع شبکه‌های جهانی از کامپیوترهاست که از طریق زیرساخت‌های مختلف به هم متصل شده‌اند و اشکال مختلف تعامل بین کنشگران را ممکن می‌سازد. از نظر نرم‌افزاری نیز می‌توان فضای سایبر را به‌عنوان یک فضای خالی بین کامپیوترها تعریف کرد که در آنجا افراد خودهای جدید و دنیا‌های جدید می‌سازند. فضای سایبر

در واقع همه‌ی این چیزها و چیزی بیش از این هاست (Bell, 2001, p. 7). منظور از فضای سایبر در واقع تنها شبکه‌های اجتماعی نیست. بلکه منظور از آن تمامی مواردی است که با فناوری اطلاعات و عصر دیجیتال مرتبط است. این حوزه شامل مواردی چون هوش مصنوعی، واقعیت مجازی، شبکه‌های اجتماعی، رباتیک، بازی‌ها، کلان داده‌ها و... می‌شود.

انسان مجازی و حضور سایبری

یکی از اتفاقات مهمی که با ورود فضای سایبر به زندگی انسان رخ داد، در واقع حضور انسان در جایی فراتر از محدوده‌ی فیزیکی و بدن مادی خودش بود. انسان در عصر فناوری اطلاعات دیگر خودش را محدود به محیط فیزیکی که در آن قرار دارد نمی‌بیند و به نحوی همواره در تلاش بوده تا بتواند بر محدودیت بدن چیره شود و میزان حضور خود در جهان را در هر دو سطح کمی و کیفی افزایش دهد.

در ابتدا رسانه‌هایی که امکان حضور سایبری را برای انسان فراهم می‌کردند بسیار ابتدایی بودند و تنها به وسیله‌ی یک یا دو شاخص حسی این حضور را برای انسان فراهم می‌نمودند همانند تلگراف، رادیو و تلویزیون. اما رفته‌رفته نسل‌های جدیدتری از فناوری‌های ارتباطی وارد زندگی انسان شد که همگی در پی این بودند که حضور سایبری را از تمامی جوانب تقویت نمایند. به عنوان مثال شبکه‌های اجتماعی امکان تعامل را به طور بسیار جدی‌تری برای انسان در محیط مجازی فراهم آوردند و این خود نقطه‌ی عطفی در مسیر حضور سایبری انسان بود. با ورود واقعیت مجازی و فناوری‌ها مرتبط با آن نیز میزان تعامل انسان با محیط مجازی بیش از پیش افزایش یافت و این مسئله حضور سایبری انسان را در سطحی بالاتر از گذشته قرار داد. در واقع هر چقدر که فناوری‌های ارتباطی در ایجاد ابزارهای بیشتر برای تعامل شناختی گسترده‌تر انسان در محیط مجازی موفق باشند، حضور تجسم یافته قوی‌تری را ایجاد و حس حضور واقعی‌تری را به کاربر منتقل می‌نماید (E. Mennecke, 2010, pp. 1-2).

با ظهور پدیده‌ی حضور سایبری انسان و امکان تجربه‌ی فضاهایی فراتر از بدن‌های مادی و فیزیکی، هویت جدیدی برای انسان مجازی تحقق پیدا کرد که در مقابل هویت آفلاین قرار می‌گیرد. تا قبل از پدیده‌ی حضور سایبری انسان تنها دارای یک هویت بود هر چند که در آن

هویت، جنبه‌ها و ویژگی‌های مختلفی یافت می‌شد. حضور سایبری نوع جدیدی از هویت را ایجاد کرد که به آن هویت آنلاین می‌گویند. هویت آنلاین هویتی است که ما آن را می‌سازیم و در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و یا هر بستر دیگری از فضای سایبر ارائه می‌دهیم. در واقع هویت‌های آنلاین در فضای سایبر به دلایل مختلفی شکل می‌گیرد که دایر مدار مقاصد، اهداف و منافع اشخاص است. حال این مقاصد ممکن است چیزی همانند یک هدف اقتصادی باشد و یا به دلیل آزادی باشد که فضای سایبر برای کاربرانش فراهم می‌کند (Attril-smith, 2019, pp. 17-21). در واقع ما به وسیله‌ی ساخت هویت آنلاین و ابزارهای هویت‌سازی که این فضا برای کاربر فراهم می‌نماید، به دنبال ایجاد هویت و نقشی خاص و همچنین ایجاد یک تصور خاص در ذهن مخاطب برای مقاصد و اهداف مشخصی هستیم (Bell, 2001, pp. 116-117). البته لازم به ذکر است که هر چند هویت آنلاین و آفلاین انسان‌ها به دلایل متعدد متفاوت است، اما به هیچ وجه نمی‌توان بین هویت آفلاین و آنلاین یک خط ضخیم کشید و هویت آفلاین حتی در هویت آنلاین نیز تاثیر و ظهور خاص خود را دارد.

مؤلفه‌ها و انواع حضور مجازی

لومبارد^۱ و دیتون^۲ در بررسی ادبیات حضور، خلاصه مفیدی از ادبیات حضور ارائه می‌کنند. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که حضور در زمینه‌های مختلف برای دلالت بر مفاهیم گوناگونی استفاده شده است که نخ تسبیح این مفاهیم این تصور است که کاربر رسانه‌های ارتباطی در واقع چنین می‌پندارد که هیچ واسطه‌ای در کانال ارتباطی او وجود ندارد و او در حال تجربه کردن یک ارتباط بدون واسطه با مخاطب خود در کانال ارتباطی رسانه‌ای می‌باشد. این توهم می‌تواند به طرق مختلف، به دلایل مختلف، از طریق تعدادی از رسانه‌ها، و تحت تأثیر تعدادی از عوامل زمینه‌ای آشکار شود. علاوه بر این، توهم حضور حالتی دوگانه نیست. بلکه کاربران سطوح مختلفی از ادراک حضور را تجربه می‌کنند. آن‌ها در خصوص انواع و فاکتورهای حضور سایبری به موارد مختلفی اشاره می‌کنند از جمله ظرفیت انتقال اطلاعات، میزان بازیابی، عمل کردن همچون یک مکانیسم انتقال مکانی در

1. Lombard
2. Ditton

فضای سایبر، غوطه‌ورسازی کاربران و موارد دیگر که هنگی در میزان حضور سایبری و کیفیت آن مؤثرند (Lombard, Matthew; Ditton, Theresa ;, 1997, pp. 1-2).

تعامل و کنش در فضای سایبر

همان‌گونه که بیان شد، حضور در فضای سایبر درجات مختلفی دارد و عوامل متعددی در شدت و ضعف این حضور نقش دارند. اما مؤلفه‌ای وجود دارد که برای تحقق حضور سایبری ضروری است. یکی از ارکانی که در پدیده‌ی حضور سایبری وجود دارد و در واقع حضور سایبری به نوعی به آن متقوم است، مسئله تعامل و کنش در فضای سایبر است. حضور انسان در فضای سایبر بدون کنش و تعامل با سایر کنشگران این فضا یا اصلاً محقق نمی‌شود و یا در صورت تحقق بسیار کم‌رنگ خواهد بود و اگر شما در این شبکه حضور داشته باشید اما متصل به مابقی کنشگران نباشید، در حقیقت تنها هستید (Spadaro, 2014, p. 30). در واقع با درگیری شما در یک تعامل خارج از محیط فیزیکی گویا میزانی از حضور شما به آن محیط منتقل شده‌است. هنگامی که انسان وارد یک بستر سایبری و مجازی می‌شود و با اشیاء و اشخاص در آن فضا تعامل می‌کند و ادراکی از آنجا بودن پیدا می‌کند، در واقع رفته‌رفته در حال تقویت حس حضور مجازی است. حضوری که در آن مکان مشترکی به نحو مجازی و برای ورود سایر کنشگران ساخته شده که این مکان مشترک برای القای حس حضور در فضای سایبر بسیار نقش دارد (E. Mennecke, 2010, p. 3). حس حضور در فضای سایبر به عوامل مختلفی وابسته است. که مهم‌ترین آنها واقعی بودن و تعامل است. واقعی بودن یک فضای سایبری که انسان وارد آن می‌شود به توانایی‌های تکنولوژیک آن محیط وابسته است. تعامل نیز درجه‌ای است که کاربران محیط می‌توانند بر محتوا و فرم محیط تأثیر بگذارند و توسط سه عامل سرعت، محدوده و نقشه‌برداری مربوط می‌شود (Hyun, 2007). بنابراین تعامل برای القای حس حضور به مخاطب و کاربر فضای سایبر نقش بسیار کلیدی دارد و اگر تعامل و کنش در این فضا وجود نداشته باشد. حضور سایبری نیز از بین خواهد رفت و بسیار کم‌رنگ خواهد شد و این به معنای وابستگی شدید حضور سایبری انسان به کنش و تعامل است.

نظریه ذهن توسعه یافته^۲

حضور سایبری انسان در عالم در واقع با نظریه‌ی ذهن توسعه یافته سازگار است. دیوید چالمرز^۱ در مقدمه‌ای که بر کتاب اندی کلارک^۲ آورده است با ذکر یک مثال سعی می‌کند تا نظریه‌ی ذهن توسعه یافته را توضیح دهد:

یک ماه پیش آیفون خریدم. آیفون قبلاً برخی از عملکردهای مرکزی مغز من را به عهده گرفته است. بخشی از حافظه من را جایگزین کرده است، شماره تلفن‌ها و آدرس‌هایی را ذخیره می‌کند که زمانی از مغزم مالیات می‌گرفتم. خواسته‌های من را در بر می‌گیرد: زمانی که باید در یک رستوران محلی سفارش بدهم، یادداشتی با نام غذاهای مورد علاقه‌ام می‌نویسم. من از آن برای محاسبه استفاده می‌کنم، زمانی که باید صورتحساب‌ها و راهنمایی‌ها را بفهمم. این منبع فوق العاده‌ای در بحث است و گوگل همیشه برای کمک به حل و فصل اختلافات حضور دارد. من با آن برنامه‌ریزی می‌کنم و از تقویم آن برای کمک به تعیین اینکه در ماه‌های آینده می‌توانم و نمی‌توانم انجام دهم، برنامه‌ریزی می‌کنم. من حتی رویای خود را روی آیفون می‌بینم و وقتی تمرکز من از بین می‌رود، کلمات و تصاویر را بیهوده صدا می‌کنم (Clark, Supersizing the Mind, 2008, p. ix).

چالمرز در ادامه بیان می‌کند که این تز ذهن گسترده است: وقتی بخش‌هایی از محیط به روش درست با مغز جفت می‌شوند، به بخشی از ذهن تبدیل می‌شوند (Clark, Supersizing the Mind, 2008, p. x). در واقع بر اساس نظریه‌ی ذهن توسعه یافته، انسان به وسیله‌ی ابزارهای دیجیتال می‌تواند به نوعی ذهن خویش را توسعه دهد و آن ابزارها تبدیل به بخشی از ذهن انسان می‌شود که در انجام فرآیندهای شناختی نیز به انسان کمک خواهد کرد. ذهن توسعه یافته در واقع به نوعی توسعه و بسط حضور انسان است چرا که بنابر آنچه در خصوص تعامل و کنش در فضای سایبر و ارتباط آن با حضور سایبری بیان نمودیم، با توسعه‌ی ذهن انسان میزان کنش و تعامل او نیز افزایش می‌یابد و این در واقع به این معناست که بخشی از حضور انسان به این وسیله در محیط‌هایی که تعامل و کنش در آن اتفاق می‌افتد، منتقل می‌شود.

1. David John Chalmers
2. Andy Clark

عبور از بدن و پسانسان

بدن‌های معمولی انسان‌ها دارای محدودیت‌های مختلف است و همچنین به مرور زمان دچار آسیب و فرسودگی خواهد شد. اساساً در بسیاری از موارد بدن و بدن‌مند بودن به‌عنوان یک محدودیت بزرگ تلقی می‌شود که انسان را در مکان خاص و شرایط خاص محبوس می‌نماید. فضای سایبر و تکنولوژی جدید به شیوه‌های مختلف این امکان را به انسان می‌دهد که تا حدودی از این بدن و محدودیت‌های آن فاصله بگیرد و به همین دلیل است که فضای سایبر در واقع تداعی کننده‌ی نوعی آزادی بیشتر برای انسان است (Bell, 2001, pp. 140-141). اما به هر حال نباید این نکته را فراموش کنیم که هرچند آرزوی رهایی کامل از بدن بسیار شیرین و جذاب است اما به نظر تحقق کامل آن نمی‌تواند یک هدف واقع‌گرایانه باشد. ما جسم‌مند باقی می‌مانیم و آنچه که ما در فرهنگ سایبر در این خصوص پیدا خواهیم کرد در واقع تکنو بدن‌ها هستند و نه تک نابدن‌ها (Holliday, Ruth; Hassard, John ;, 2001, pp. 170-172).

عبور از بدن در جهان سایبر منجر به ظهور نوع جدید از انسان و در واقع یک پسانسان شده است. پسانسان در فضای سایبر به دنبال عبور از محدودیت‌های بدن خود و رسیدن به یک نوع آگاهی جدید جسم‌مند شده می‌باشد. به عبارتی دیگر پسانسان با کمک از تکنولوژی به دنبال غلبه بر محدودیت بدن خود است تا بتواند سطح حضور و همچنین کارآیی خود را افزایش دهد.

علاوه بر این پدیده، پسانسان به دنبال جای‌گذاری و آلود کردن هوشیاری و آگاهی است. در واقع پسانسان که به دنبال رهایی از بدن و محدودیت‌های آن و گسترش حضور کمی، کیفی و زمانی خود در عالم است، به دنبال این است که بتواند آگاهی و هوشیاری خویش را در بدن‌هایی که بسیار پایدارند آلود کند. تا جایی که برخی از ابر پروژه‌های هوش مصنوعی در جهان به دنبال تعریف هویت و آگاهی انسان در قالب داده‌های مشخص و آلود کردن آن بر بدن‌های رباتیک هستند تا این‌گونه به نحوی علاوه بر گسترده کردن حضور انسان، سطح پایداری و بقای او را افزایش دهند تا هیچ‌گاه همانند بدن مادی دچار فرسودگی و فنا نشود (Geraci, 2006).

از آنچه بیان شد مشخص گردید که انسان در فضای سایبر با هویت آنلاین و جدیدی که از خود ساخته است به دنبال گسترش حضور خود در عالم است که این گسترش حضور و به اصطلاح

1. Techno-bodies

2. Tech-nobodies

حضور سایبری در قالب‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شود و همچنین ابزارها و برنامه‌های مختلفی برای رها کردن انسان از محدودیت بدن مادی و توسعه‌ی حضور و افزایش کارآمدی او وجود دارد. اما سوال اساسی در خصوص این حضور سایبری این است که فضای سایبر تا چه اندازه به افزایش و بسط حضور حقیقی انسان کمک نموده است؛ به این معنا که آیا این حضور سایبری را می‌توان به معنای واقعی کلمه حضور انسان بدانیم یا اینکه این حضور، تنها یک مشابهت لفظی با حضور حقیقی انسان و اتساع وجود دارد و حتی در مواقعی نشانه‌های عدم حضور همانند نقصان آگاهی و علم را می‌توان بر آن منطبق نمود؟! آیا انسان به واسطه‌ی فضای سایبر صاحب یک حضور حقیقی می‌شود که از نتایج آن آگاهی بیشتر و اتساع وجودی است؟ اساساً حضور سایبری توسعه و بسط حضور انسان به کدام معناست؟ آیا این حضور همان حضوری است که ما در ادبیات سنتی دینی خودمان از آن سراغ داریم و یا اینکه معنای متفاوتی دارد؟ آیا انسان با ورود به فضای سایبر واقعاً صاحب یک اتساع وجودی شده که نتیجه‌ی آن افزایش حضور است؟ در ادامه جهت پاسخ به این سؤالات و بررسی و تحلیل حضور سایبری انسان مجازی، به سراغ مبانی حکمت صدرایی و برخی فیلسوفان صدرایی خواهیم رفت.

سعه و انبساط وجودی در حکمت متعالیه

اتساع وجودی انسان جدید که با حضور سایبری اتفاق افتاده است، تنها در صورتی منجر به گسترش حضور انسان در عالم به همان معنایی که در سنت خودمان موجود است می‌شود که این حضور سایبری در واقع باعث انبساط وجودی و سعه‌ی وجودی انسان شود. به عبارتی دیگر افزایش حضور و اتساع حقیقی وجود انسانی ملازم با بسط وجودی و سعه‌ی وجودی او است. اگر حضور سایبری حقیقتاً همان سعه‌ی وجودی انسانی و انبساط وجودی او باشد، می‌توان بر این ادعا صحه گذاشت که فضای سایبر موجب گسترش حضور انسان شده است و در غیر این صورت باید گفت که این حضور سایبری در واقع یک حضور غایبانه است که به نظر می‌رسد نه تنها موجب افزایش حضور او نشده، بلکه با ایجاد مشغولیت به غیر، حضور او را خدشه‌دار نموده است. برای بررسی این مسئله لازم است تا مبانی و مؤلفه‌های حضور و سعه‌ی وجودی در حکمت متعالیه را مورد مطالعه قرار دهیم: بنابر حکمت متعالیه اصالت با وجود است. وجود که مساوق با وحدت است به

استناد اصل تشکیک در وجود، دارای مراتب مختلف است. تمامی موجودات در واقع درجات و مراتب یک حقیقت واحده را تشکیل می‌دهند که این درجات مختلف، سبب ظهور آثار مختلف وجود و توجیه‌کننده‌ی تفاوت‌هایی که در جهان مشاهده می‌کنیم می‌باشد که از حقیقتی واحد و یکپارچه نشأت گرفته است (صدرالدین شیرازی م.، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، ۱۳۹۴، الصفحات ۱۳۴-۱۳۵). انسان نیز به عنوان وجودی خاص، دارای مرتبه‌ی وجودی مشخصی است که به سبب آن مرتبه، آثار مختلفی را از خود ظهور می‌دهد. البته مرتبه‌ی وجودی خاصی که انسان دارد، به معنای غیر ممکن بودن رشد و ترقی در مراتب وجودی نیست. بلکه انسان می‌تواند از طرق مختلف، اشتداد وجودی پیدا کند و از این طریق در مرتبه‌ی وجودی بالاتری قرار بگیرد.

اتحاد علم و عالم و معلوم

از منظر حکمت متعالیه و با توجه به اصالت وجود، بازگشت علم به وجود است. علم وجود مجردی است که برای جوهر ادراک‌کننده یا نزد آن حاصل می‌شود. بر اساس نظریه‌ی اتحاد علم و عالم و معلوم، در واقع مدرک و مدرک از هم مستقل نیستند و با یکدیگر اتحاد دارند. در هر ادراکی که اتفاق می‌افتد، وجودی ظاهر می‌شود که نفس آن را انشاء نموده و فعل نفس است و با آن متحد است. در واقع صورت علمی که نفس آن را انشاء می‌کند جزئی از خود حقیقت نفس ناطقه‌ی انسانی است که از آن جدایی ندارد (صدرالدین شیرازی م.، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الربعة، ۱۴۱۰ق، صفحه ۳۶۲). بنابراین علم و ادراک با نفس اتحاد دارد و هر چه قدر انسان در مسیر علم پیش برود، نفس با انشاء صورت علمی که در واقع از سنخ وجود است و با نفس متحد است، سبب سعه‌ی وجودی انسان می‌شود. در واقع تکامل علمی انسان و اتحادی که بین مدرک و مدرک وجود دارد، باعث می‌شود تا سیر علمی انسان منجر به سعه‌ی وجودی او شود. ظرفیت انسان در تحقق انبساط و سعه‌ی وجودی، نامحدود است و با استناد به مقام لایق‌ی که انسان دارد، اشتداد وجودی انسان می‌تواند به طور مداوم تحقق یابد. در همین خصوص لازم است تا به سخن شریف حضرت امیرالمؤمنین، علی (علیه‌السلام)، در خصوص علم اشاره نماییم که می‌فرماید: "كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ؛ هر ظرفی با ریختن چیزی در آن تنگ می‌شود. جز ظرف

علم که با هر چه در آن ریزند وسعتش بیشتر می‌گردد^۱ انسان ظرفیت این را دارد که نسبت به تمامی حقایق هستی علم پیدا کند و هر چه این ظرفیت را به فعلیت برساند، در مرتبه‌ی بالاتری از لحاظ وجودی قرار می‌گیرد و سعه‌ی وجودی بیشتری پیدا می‌کند (دیرباز، عسکر؛ دهقان سیمکانی، رحیم‌ز، ۱۳۹۰، ص. ۵۶).

مظهریت اسماء الهی و اشتداد وجودی

علاوه بر سعه‌ی وجودی که برای انسان از طریق اتحاد با حقیقت علم حاصل می‌شود، انسان می‌تواند از طریق ظهور اسماء و صفات الهی نیز دارای سعه‌ی وجودی شود. انسان‌ها این ظرفیت و قابلیت را دارند که مظهر اسماء و صفات الهی شوند. هر چه قدر که انسان بتواند این اسماء و صفات الهی را ظهور دهد، به سبب اتحادی که با این اسماء و صفات برای او حاصل می‌شود، اشتداد وجودی پیدا می‌کند و به تناسب صاحب سعه‌ی وجودی می‌گردد. به همین دلیل انسان‌ها را میتوان بر اساس میزان ظهور اسماء و صفات الهی دارای درجات و سعه‌های وجودی متفاوت دانست (صدرالدین شیرازی م، ۱۳۷۸، صفحه ۷۶). هر چقدر که انسان در مظهریت اسماء و صفات الهی پیش رود، سعه‌ی وجودی بیشتری می‌یابد. بنابراین انسان با علم و عمل و همچنین به سبب ظهور اسماء و صفات الهی دارای اشتداد وجودی و سعه‌ی وجودی می‌گردد و در اثر اشتداد و سعه‌ی وجودی، حضور انسان در عالم بیشتر خواهد شد. بنابراین برای تحلیل اتساع وجودی انسان در اثر حضور سایبری باید دید که آیا این حضور سایبری می‌تواند باعث افزایش میزان ظهور اسماء الهی و یا علم بیشتر نفس و اتحاد آن با صور عقلی گردد و یا خیر؟

چگونگی حضور سایبری انسان مجازی

حضور سایبری انسان مجازی متکی به اموری است که وجود آن‌ها در تحقق این حضور ضروری است. در واقع انسان مجازی به خودی خود و بدون پشتوانه‌ی این مسائل و ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نمی‌تواند حضور سایبری را تجربه کند. در حوزه سخت‌افزاری حضور سایبری متکی بر یکسری زیر ساخت‌ها و ابزارهای تکنولوژیک است که حضور سایبری را محقق می‌کند. به عنوان مثال برای حضور در یک جلسه یا سمینار مجازی لازم است که اولاً یک تلفن

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵

همراه و لپ‌تاپ یا دستگاه هوشمند این چینی به‌همراه داشته باشید. همچنین اتصالات اینترنت باید در مبدأ و مقصد به‌خوبی فعال باشد تا شما بتوانید با اتصال به اینترنت وارد این رویداد مجازی شوید. برای فراهم آمدن یک اتصال اینترنتی، به زیرساخت‌های بسیار فراوان نیاز است. از دکل‌های مخابراتی گرفته تا کارمندانی که باید به کنترل و بررسی این اتصالات و سخت‌افزارها پردازند. حتی کوچک‌ترین اشکال و نقص در تلفن همراه شما ممکن است این اتصالات را قطع کند و شما را از تجربه‌ی یک حضور مجازی محروم سازد. در برخی موارد حضور مجازی و سایبری نیازمند ابزارهای فیزیکی بیشتری نیز هست. به‌عنوان مثال هنگامی که می‌خواهید یک واقعیت مجازی را تجربه کنید نیازمند نمایشگر واقعیت مجازی می‌باشید و یا برای تجربه‌ی حضور در فضای چند بعدی دیجیتالی، نیازمند عینک‌ها و نمایشگرهای خاصی هستید. بنابراین اولین موردی که حضور سایبری متکی به آن است و بدون آن تحقق نمی‌یابد همین اتصالات و ابزارهای فیزیکی و سخت‌افزاری می‌باشد. رکن دومی که حضور سایبری و مجازی برای تحقق آن نیاز به آن دارد، تعامل و کنش در این فضا است. در واقع همان‌طور که قبلاً بیان کردیم تعامل درجه‌ای است که کاربران محیط می‌تواند بر محتوا و فرم محیط تأثیر بگذارند و توسط سه عامل سرعت، محدوده و نقشه برداری تعیین می‌شود (Hyun, 2007). به عبارت دیگر تعامل برای القای حس حضور به مخاطب و کاربر فضای سایبر، نقش بسیار کلیدی دارد و اگر تعامل و کنش در این فضا وجود نداشته باشد حضور سایبری نیز از بین خواهد رفت و یا بسیار محدود خواهد شد. این بدان معناست که حضور سایبری وابستگی شدیدی را به کنش و تعامل در خود دارد. اگر کنش و تعامل در فضای سایبر نباشد، تمامی کاربران به عبارتی احساس تنهایی می‌کنند و این یعنی گویا هیچ‌گونه حضوری اتفاق نیفتاده است. چرا که حضور سایبری معمولاً با یک مکان مشترک که در آن سایر کاربران نیز حضور دارند تعریف می‌شود و این مکان مشترک در القای حس حضور بسیار مؤثر است. در واقع با یک مکان مشترک که سایرین نیز در آن حضور دارند، ما احساس می‌کنیم در فضایی متفاوت‌تر از فضای فیزیکی خود قرار داریم (E. Mennecke, 2010, p. 3). حال سوال اساسی اینجاست که حضوری که برای تحقق خود متکی به دو رکن اساسی اتصالات و زیرساخت‌ها و همچنین تعامل و کنش است و یا در یک کلام حضوری کاملاً متکی به غیر است، آیا چنین حضوری همان حضوری است که ما در فضای سنتی خود و نظام معرفتی‌مان سراغ داریم؟

آیا می‌توان چنین حضوری را به حقیقت حضور نامید؟ هنگامی که انسان دارای سعه‌ی وجودی و اشتداد وجودی می‌گردد و در اثر آن حضور او افزایش می‌یابد، این حضور به چیزی غیر از وجود خود انسان وابسته نیست و در واقع هیچ عامل خارجی در اصل و تحقق این حضور موضوعیت ندارد. به نظر می‌رسد افزایش حضور انسان و بسط حضور او در عالم همان‌طور که در بالا نیز بیان نمودیم، ملازم با انبساط حقیقت وجود انسان و سعه وجودی او است و در این حالت افزایش حضور انسان متکی به غیر نیست. اما حضور سایبری با توجه به اینکه اتکای شدیدی به غیر دارد و در صورت از بین رفتن یکی از ارکان، این حضور نیز از بین می‌رود، نمی‌تواند همان معنایی از حضور باشد که ما در ذهن خود داریم. در حقیقت بسط حضوری و کنشی انسان نمی‌تواند کاملاً متوقف بر برخی زیرساخت‌ها و کنش‌ها باشد. چنین اتکائی می‌تواند به عنوان اماره‌ای بر غیر اصیل بودن این سنخ از حضور انسان تلقی شود. بنابراین به طور خلاصه می‌توان استدلال خود را این‌گونه صورت‌بندی کنیم:

۱. حضور سایبری، حضوری متکی به غیر وجود انسان است.
۲. حضوری که در معنای سنتی خود می‌شناسیم، متکی به غیر وجود انسان نیست.
- ۲ و ۱ ← ۳. حضور به معنای سنتی با حضور سایبری تباین دارد.
۴. تنها حضور به معنای سنتی که به غیر وابسته نیست، منجر به سعه‌ی وجودی انسان به معنای واقعی می‌شود.

۳ و ۴ ← ۵. حضور سایبری منجر به سعه‌ی وجودی انسان به معنای واقعی نمی‌شود.

فضای سایبر و اعتبار استخدام

علامه طباطبایی در تقسیم‌بندی خود از اعتبارات، به دو نوع مختلف از اعتبار اشاره می‌کند. اولین دسته اعتبارات پیش از اجتماع هستند و دومین دسته اعتباراتی هستند که پس از شکل گرفتن اجتماع تشکیل می‌شود. در این بین یکی از مهم‌ترین اعتبارات که در واقع خود منشأ پدید آمدن اجتماع و جامعه انسانی است، اصل استخدام نام دارد. علامه طباطبایی در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم بیان می‌کند که هر پدیده‌ی مادی که ما با آن در خارج مواجه می‌شویم، برای حفظ بقای خود به نحوی از خارج استفاده می‌نماید و این خاصیت در همه موجودات و به ویژه موجودات

زنده وجود دارد. انسان نیز به عنوان یک موجود زنده از این اصل مستثنی نیست. در واقع انسان‌ها نیز برای حفظ بقاء خود به هر نحوی از خارج استفاده می‌نمایند. البته این که اصل استخدام مستند به طبیعت انسان است و حتی در خصوص سایر انسان‌ها نیز انسان به فکر به خدمت گرفتن او جهت منافع و اغراض خود است، به معنای این نیست که انسان بالطبع روش استعمار دارد. بلکه منظور آن است که طبیعت انسان‌ها به گونه‌ای است که سعی می‌کند تا از همه چیز برای منافع و اغراض خودشان استفاده نمایند و این استفاده لزوماً به یک معنای منفی نیست. همین اعتبار استخدام است که در واقع سبب پیدایش اجتماع می‌شود و اجتماع فرع استخدام می‌باشد (طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۵-۲۰۷).

از سخنان علامه نتیجه می‌شود که در واقع ابزارهای فناورانه حاصل اصل استخدام است. چرا که به احتیاجات صنایع انسان و برخی ابزارها در اعتبار استخدام اشاره شده است. از این رو می‌توان گفت که تکنولوژی نیز به نظر علامه ریشه در اصل استخدام دارد و ذات و طبیعت بشر این گونه است که می‌خواهد به وسیله به کارگیری هر چیزی منافع خود را تأمین کند (قائم‌نیا، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۸-۲۵۰). در واقع انسان برای یکسری اهداف مشخص، یک فضای جدید و البته مملو از اعتبارات جدید را ایجاد می‌کند که فضای سایبر نام دارد و در واقع به نوعی می‌توان این فضا را ذیل وجود انسانی تعریف کنیم. فضای سایبر بدون عالم انسانی و اعتباراتی که انسان آن را ایجاد می‌کند، حقیقتی ندارد و این بدان معناست که در نظر گرفتن حقیقتی مجزا برای این فضا همانند اینکه آن را مانند عالم مثال منفصل تلقی کنیم به نظر چندان صحیح به نظر نمی‌آید. البته سخت‌افزارهایی که در این فضا وجود دارد، در این معنایی که ما گفتیم گنجانده نمی‌شود. بلکه منظور ما از تعریف نمودن فضای سایبر در ذیل عالم انسانی در واقع روابط، کنش‌ها، تأثیر تأثرها، و تغییراتی است که منجر به ظهور انسان مجازی شده است.

بنابراین می‌توان گفت که فضای سایبر و حضور سایبری در اثر اصل استخدام که برای تأمین منافع و اغراض است، شکل می‌گیرد.

ظرف حیات و یا همان حضور انسان

علامه‌ی طباطبایی (ره) پس از آن که در رساله‌ی الإنسان فی دنیا دنیا را برساخته‌ی اعتبارات و در واقع قوام دنیا را اعتبارات دانستند، بیان می‌کنند که فرورفتن در زندگی اعتباری و دنیایی موجب دور شدن انسان از خویش می‌شود. در واقع انسان حیاتی در غیر ظرف نفس خویش و وعاء وجودی خود ندارد. بنابراین اگر نفس خویش را به فراموشی بسپارد و به غیر بپردازد در هلاکت و گمراهی محض در افتاده و اعمال و افعال و قوای وی همگی به پوچی گراییده و گوش و چشم و زبان وی از فعالیت واقعی خویش بازمانده و چنین کسی در حقیقت در ظلمتی فرورفته که خروجی از آن متصور نیست و آنچه که خواسته و مطلوب وی بوده، همگی به سرابی مبدل و آنچه که از اعمال و افعال انجام داده نیست و نابود خواهد گشت و هنگامی که به قیامت میعاد حق خوانده شود، دستش تهی و توشه‌اش از اعمال ناچیز است (طباطبایی، الإنسان والعقیده، ۱۴۲۶ه.ق، ص. ۵۵-۵۸).

در واقع علامه طباطبایی این مقصود را در نظر دارند که پرداختن به غیر و دور شدن از خود منجر به از بین رفتن سرمایه انسان و حیات حقیقی او می‌شود. حیات و حضوری که جدای از انسان است، در حقیقت هیچ‌گونه تحقق‌ی ندارد و همچون سرابی بیش نیست. همان‌طور که بیان نمودیم فضای سایر نیز در ذیل عالم اعتبارات و به‌طور مشخص اعتبار استخدام دسته‌بندی می‌شود. در فضای اعتباری زندگی دنیایی، فضای اعتباری سایر نیز این مشغولیت به غیر و دوری از خود را افزایش داده است. بنابراین هرچند که به ظاهر اسم آن را حضور سایبری می‌نامیم، ولی با توجه به اینکه در این فضا انسان با یک فضای اعتباری روبه‌رو است که به نحوی مشغولیت به غیر می‌آورد و همچنین با توجه به ویژگی اتکاء به غیر و غیر اصیل بودن آن، این حضور یک حضور غایبانه است. به همین دلیل است که در برخی مواقع ما نشانه‌هایی را درمی‌یابیم که با یک حضور غایبانه سازگار است. به‌عنوان مثال معمولاً کسانی که بسیار زیاد در فضای سایبر پرسه می‌زنند و فعالیت دارند، از فضای فیزیکی و حقیقی که در آن حضور دارند نیز حواس پرت می‌شوند و اتفاقاً توجه و تمرکزشان کمتر است. اینگونه افراد معمولاً با سیل عظیم اخبار و اطلاعاتی سرکار دارند که به نظر نمی‌آید بتواند انسان را به یاد خویش بیندازد و اغلب حالتی همچون کسی را دارند که بر دوش خود بار زیادی را حمل می‌کند که محتوای آن چندان سودمند نیست. منتهی با این تفاوت که این افراد در ذهن خود

بار اطلاعات کم‌فایده و یا بی‌فایده را حمل می‌نمایند. البته مقصود ما از فایده در این موضع، نسبتی است که در رابطه‌ی با شناخت انسان از خود حقیقی و سعه‌ی وجودی او مطرح می‌شود.

حضور غایبانه

فضای سایبر که برآمده از اعتبار استخدام است، در ذیل روابط و اعتبارات انسانی شکل می‌گیرد. در واقع غالب پدیده‌های این فضای مصنوع نیز اعتباری محسوب می‌شوند. بدین ترتیب باید بیان کنیم که حضور سایبری که حضوری برآمده از فضای سایبر است، حضوری اعتباری است. اساساً ساختن یک مکان مشترک اعتباری در فضای سایبر، نمی‌تواند حضوری حقیقی را به طور کامل برای انسان فراهم نماید. از نتایج این حضور اعتباری در واقع این است که گاه نشانه‌های غیاب، حتی در حین تجربه‌ی یک حضور سایبری به چشم می‌خورد؛ یعنی انسان با اینکه در حین تجربه‌ی حضوری سایبری است، اما گویا با درک واقعی محضر شخصی که با او در مکان مشترک سایبر قرار گرفته فاصله‌ی بسیار دارد و در نتیجه‌ی این فاصله گاه دچار بی‌توجهی، غفلت، سردرگمی و... می‌شود. به‌عنوان مثال همواره کیفیت حضور در یک کلاس درس واقعی با یک کلاس مجازی در بستر سایبر تفاوت چشم‌گیر دارد و حتی آداب مختلفی وجود دارد که در کلاس در بستر سایبر، کاربر خود را ملزم به رعایت آن نمی‌داند. البته مثال‌های متعدد در زمینه‌های گوناگون برای این مطلب وجود دارد که همگی دلالت بر این دارند که گاه حضور سایبر، یک حضور غایبانه است و نشانه‌های غیاب در آن مشاهده می‌شود.

مقدمه‌سازی فضای سایبر برای حضور حقیقی

از مطالبی که در بالا بیان شد، نتیجه می‌شود که فضای سایبر و حضور سایبری خود به نحو بالذات و مستقیم نمی‌تواند در بسط حقیقت نفس انسان و سعه‌ی وجودی او مؤثر واقع شود. اما این مطلب به معنای انکار نقش زمینه‌ای فضای سایبر در مستعد کردن نفس و آماده نمودن آن برای تجربه‌ی حضور حقیقی نمی‌باشد. فضای سایبر از طریق امکانات و قابلیت‌های از تباطی و نرم‌افزاری که برای انسان فراهم نموده است، نقش بسیار مهمی در مستعد کردن نفس و آماده سازی آن جهت تجربه‌ی حضور حقیقی در ابعاد گسترده‌تر را داشته است. به‌عنوان مثال تورگردی‌های مجازی، زیارت مجازی، سمینار آنلاین و... همگی باعث می‌شوند تا نفس از طریق درک حالات جدید

ارتباطی و تعاملی، استعداد بیشتری برای تجربه‌ی انواع حضور حقیقی در ابعاد گسترده‌تر پیدا کند. درست همانند کودکی که صحبت زیاد والدین و اطرافیان او با او در طی شبانه‌روز، باعث مستعد نمودن او جهت تکلم کردن می‌شود. در این مثال هر چه قدر که اطرافیان و والدین کودک با او در خصوص تکلم و گفتار تمرین نمایند، کودک برای تکلم کردن مستعدتر می‌شود. در فضای سایبر نیز همین اتفاق در حال رخ دادن است. هر چه قدر که نفس بتواند تجربه‌های جدید و متنوع از حضور (به هر معنایی که مراد شود) را درک کند، برای تجربه‌ی حضور حقیقی در ابعاد گسترده‌تر مستعدتر می‌گردد. البته به شرطی که تجربه‌ی حضور سایبری آن قدر بی‌برنامه و آشفته نباشد که به اصل استعداد نفس آسیب بزند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انسان مجازی در دوران تمدن دیجیتال به وسیله‌ی ابزارهای مختلفی که فناوری اطلاعات در اختیار او قرار داده‌است، به نحوی میزان حضور خود در عالم در ابعاد کمی و کیفی را گسترش داده‌است. تا جایی که این تغییرات منجر به ظهور پسانسان در عصر ما شده‌است و همان‌طور که می‌دانیم پسانسان روزبه‌روز در حال تقویت این حضور سایبری در تمدن دیجیتال است. اما حضوری که انسان مجازی و پسانسان در حال تقویت آن در دوران تمدن دیجیتال است، گویا متفاوت از معنای حضوری است که ما در سنت خودمان سراغ داریم. حضور سایبری حضوری غیر اصیل و متکی به غیر است و اگر این غیر تحقق نداشته باشد و یا دچار مشکل شود، حضور سایبری نیز به مشکل بر می‌خورد. حضور سایبری به دلیل ماهیت اعتباری که دارد همواره نشانه‌هایی با خود به همراه دارد که سبب می‌شود ما عنوان حضور غایبانه را بر آن اطلاق کنیم. البته فضای سایبر ابعاد دیگری نیز دارد. فضای سایبر نقش بسیار مهمی در تقویت خیال متصل انسانی دارد. تجربه‌ها و قابلیت‌های متنوعی که فضای سایبر برای انسان مجازی فراهم می‌کند قطعاً می‌تواند در تقویت و مستعد کردن قوه‌ی خیال انسان و حتی سایر قوای انسان مؤثر باشد. البته این نقش مثبت فضای سایبر مشروط به یکسری مراقبت‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حفظ خودآگاهی در این فضا اشاره نمود.

فهرست منابع

- دیرباز، عسکر؛ دهقان سیمکانی، رحیم. (۱۳۹۰). انسانیت و انسان اخلاقی در نظر کانت و ملاصدرا. معرفت اخلاقی، ۵۳-۷۰. طباطبایی، م. (۱۳۹۶). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: انتشارات صدرا.
- طباطبایی، م. (۱۴۲۶ ه.ق). الانسان والعقيدة. قم: باقیات.
- قائمی نیایع، م. (۱۴۰۰). الهیات سایبر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- گرام، گ. (۱۳۹۳). جستاری فلسفی در ماهیت اینترنت. (م. امین نصری، مترجم) تهران: کویر.
- محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی. (۱۳۷۸). المظاهر الإلهية في أسرار العلوم الكمالية. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی. (۱۳۹۴). الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية. قم: بوستان کتاب.
- محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی. (۱۴۱۰ ه.ق). الحكمة المتعالية في الأسفار الربعية. بیروت: دار احیاء التراث العزلی.

- Attril-smith, A. (2019). the oxford handbook of cyberpsychology. New York: Oxford university press.
- Bell, D. (2001). An introduction to cybercultures. London: Routledge.
- Cassidy, Eric; Broadhurst Dixon, Joan;. (1998). Virtual Futures: Cyberotics, Technology and Posthuman Pragmatism. Routledge.
- Clark, A. (2003). Natural-Born Cyborgs. New York: Oxford university press.
- Clark, A. (2008). Supersizing the Mind. New York: Oxford university press.
- E. Mennecke, B. (2010). Embodied Social Presence Theory. International Conference on System Sciences, 1-10.
- Geraci, R. M. (2006). Spiritual Robots: Religion and Our Scientific View of the Natural World. Theology and Science, 37-41.
- Holliday, Ruth; Hassard, John ;. (2001). Contested Bodies. London: routledge.
- Lombard, Matthew; Ditton, Theresa ;. (1997). At the heart of it all: The concept of presence. Journal of Computer Mediated Communication.
- Spadaro, A. (2014). Cybertheology, Thinking Christianity in the Era of the internet. New York: Fordham University Press.
- Hyun, Y.-H. (2007). Developing the virtual destination image formation model. United Kingdom: University of Surrey.

